

الأصل هو الخلافة الإلهية: اصل، خلافت الهی است

الملك لله، ولا يحق لأحد التصرف في ملك الله إلا بإذنه، فمن يريد أن يخرج التصرف بملك الله من الله إلى الناس لتكون للناس ولاية تنصيب الخليفة أو الحاكم - كما هو اعتقاد السنة -، عليه أن يأتي بالدليل على أن الله أذن بهذا، وإلا فالأمر على ما هو عليه بالأصل؛ وهو أن الولاية لله ولا تنتقل إلا بإذن منه سبحانه وتعالى وتنصيب منه سبحانه وتعالى.

فرمان‌روایی مخصوص خداوند است و هیچ فردی حق دخالت در فرمان‌روایی خداوند را ندارد، مگر با اجازه‌ی او. هر کس بخواهد فرمان‌روایی را از خداوند به مردم منتقل کند، تا مردم دارای ولایت نصب خلیفه یا حاکم باشند - همان‌طور که اعتقاد اهل سنت است - باید دلیلی بیاورد که خداوند اجازه این کار را به او داده است؛ در غیر این صورت مسئله بر همان اصل خود می‌ماند. این که ولایت برای خداوند است و فقط با اذن خداوند سبحان و متعال منتقل می‌شود و منصوب کردن حاکم تنها از سوی خداوند سبحان و متعال جایز است.

فالأصل الثابت هو خلافة الله في أرضه بتعيين إلهي، وأن لكل زمان خليفة لله في أرضه يعينه الله.

اصل ثابت، همان خلافت خداوند در زمین با تعیین الهی است و این که در هر زمانی، خداوند در زمین جانشینی دارد که خودش او را تعیین می‌کند.

كما أنها سنة الله سبحانه وتعالى، وقد قال تعالى: (سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا)، ومن يريد نقضه يحتاج إلى دليل نقض وهو مفقود.

این موضوع، سنت خداوند سبحان و متعال است. خداوند متعال فرمود: «خدا روشی ثابت و قطعی مقرر کرده است که از پیش جاری بوده است، و هرگز برای

سنت خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت»^۱. هر فردی می‌خواهد آن را نقض کند، به دلیل نقض نیازمند است، که البته آن را دارا نیست.

ومنذ اليوم الأول مع آدم (عليه السلام) طبق هذا الأصل:
این تعیین، از روز اول برحضرت آدم (عليه السلام) تطبیق یافت؛

فاستخلف الله آدم في الأرض وعينه خليفته في أرضه:
خداوند آدم را جانشین خود در زمین قرار داد و او را به عنوان خلیفه‌ی خودش در زمین تعیین کرد:

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ).
«و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم. فرشتگان گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می‌دهی که در زمین فساد می‌کند و خون‌ها می‌ریزد، در حالی که ما به وسیله حمد تو تسبیح می‌گوییم و تو را تقدیس می‌کنیم؟ فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»^۲.

وزوده بالعلم الديني:
و علم دین را توشه‌ی او نمود:

(وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ).

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۳.

^۲ قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰.

«و خداوند به آدم آن اسماء را آموخت؛ سپس آن اسماء را بر فرشتگان عرضه کرد؛ پس فرمود: مرا به اسماء این ها خبر دهید اگر راستگو هستید»³.

وَأَمْرُ الْخَلْقِ بِطَاعَتِهِ (تطبیق حاکمیه الله):
و مخلوقات را به اطاعت از او دستور داد (اجرای حاکمیت خداوند):

(وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) [البقرة: 34].

«و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس، که سر باز زد و برتری جست؛ و او از کافران بود»⁴.

واستمر هذا الأمر إلى محمد (صلى الله عليه وآله) - كسنة إلهية جارية -، ويستمر بعد محمد (صلى الله عليه وآله) إلى أن يرث الله الأرض ومن عليها، وتنتهي الخلافة بنهاية وجود المكلفين على هذه الأرض.

این مسئله تا محمد (صلی الله علیه وآله) به عنوان سنت الهی جاری ادامه داشته است و پس از محمد (صلی الله علیه وآله) نیز ادامه دارد؛ تا این که خداوند، زمین و افرادی را که بر آن هستند، به ارث ببرد و خلافت الهی با وجود آخرین مکلفین در این زمین به پایان رسد.

ویدل علیه النقل عند السنة:
احادیث اهل سنت در مورد این موضوع:

³ قرآن کریم، سوره ی بقره، آیه ی ۳۱.

⁴ قرآن کریم، سوره ی بقره، آیه ی ۳۴.

الأحاديث في خلافة علي (عليه السلام) لرسول الله محمد (صلى الله عليه وآله):

احاديث در مورد جانشینی علی (عليه السلام) برای محمد رسول خدا (صلى الله عليه وآله)

علي هو الهادي بعد رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله) 5: (علی هدایت کننده پس از محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله) است) 6.

وهذه نماذج من الروايات:
این نمونه‌هایی از این روایات است:

⁵ ورد في:

- المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 129، عن علي (عليه السلام).
- كنز العمال - المتقي الهندي: ج 2 ص 441، عن علي (عليه السلام).
- نظم درر السمطين - الزرندي الحنفي: ص 89 - 90، عن أبي برزة الأسلمي وابن عباس.
- تفسير الطبري: ج 13 ص 142، عن ابن عباس.
- تاريخ مدينة دمشق - ابن عساكر: ج 42 ص 359 و 360، عن عبد خير وعبد الله الأسدي.
- بلفظ "رجل من بني هاشم" ورد في:
- مسند أحمد: ج 1 ص 126. عن علي (عليه السلام).
- المعجم الصغير - الطبراني: ج 1 ص 261. والمعجم الأوسط: ج 2 ص 94، وج 5 ص 153، وج 7 ص 379.
- مجمع الزوائد - الهيثمي: ج 7 ص 41، عن عبد الله.

⁶ در منابع زیر وارد شده است:

- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۹، از علی (عليه السلام) آمده است.
- كنز العمال، متقی هندی، ج ۲، ص ۴۴۱، از علی (عليه السلام).
- نظم درر السمطين، زرندي حنفي، صص ۸۹ تا ۹۰، از ابی برزه اسلمی و ابن عباس.
- تفسير طبري، ج ۱۳، ص ۱۴۲، از ابن عباس.
- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، ج ۴۲، صص ۳۵۹ و ۳۶۰، از عبد خير و عبد الله اسدي.
- با لفظ «رَجُلٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» (مردی از بنی‌هاشم) در منابع زیر آمده است:
- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۲۶، از علی (عليه السلام) آمده است.
- معجم الصغير، طبرانی، ج ۱، ص ۲۶۱، و معجم الاوسط، ج ۲، ص ۹۶، و ج ۵، ص ۱۵۳، و ج ۷، ص ۳۷۹.
- مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۷، ص ۴۱، از عبدالله.

أخرج ابن جرير الطبري في جامع البيان (13 / 142) بسنده: «عن ابن عباس، قال: لما نزلت "إنما أنت منذر ولكل قوم هاد" وضع (ص) يده على صدره، فقال: أنا المنذر ولكل قوم هاد، وأوماً بيده إلى منكب علي، فقال: أنت الهادي يا علي، بك يهتدي المهتدون بعدي»⁷.

ابن جریر طبری در کتاب جامع البیان (ج ۱۳ ص ۱۴۲) به سند خود از ابن عباس روایت کرده: (هنگامی که آیهی «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است»^۸ نازل شد، رسول‌الله (ص) دستش را بر سینه‌ی خود قرار داد و فرمود: من همان منذر و هشداردهنده هستم؛ و هر قومی هدایتگری دارند. سپس با دستش به شانه‌ی علی اشاره کرد و فرمود: ای علی، هدایت‌گر تو هستی. هدایت‌یافتگان، پس از من به وسیله‌ی تو هدایت می‌شوند)^۹.

وأخرج الحاكم النيسابوري في مستدرکه (3 / 130) بسنده عن علي بن أبي طالب (عليه السلام)، "إنما أنت منذر ولكل قوم هاد" قال علي: «رسول الله (صلى الله عليه وآله) المنذر وأنا الهادي»¹⁰.

حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین (ج ۳، ص ۱۳۰) به سند خود از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت می‌کند که درباره‌ی آیه‌ی فوق فرمود: (رسول خدا (صلی الله علیه وآله) منذر (هشداردهنده) بود و من هدایت‌گرم)^{۱۱}.

⁷ قال ابن حجر في فتح الباري: ج 8 ص 285 عن هذا الحديث إنه "بإسناد حسن".

⁸ قرآن کریم، سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۷.

⁹ ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری، ج ۸، ص ۲۸۵ می‌گوید: این حدیث به سند حسن روایت شده است.

¹⁰ قال الحاكم: "هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه".

¹¹ حاکم نیشابوری در ذیل این روایت می‌نویسد: این حدیث صحیح‌السند است، اما آن دو نفر (بخاری و مسلم) نقل نکرده‌اند!

وأخرج ابن أبي حاتم في تفسيره (7 / 2225 برقم 12152) بسنده: «عن علي (عليه السلام)، لكل قوم هاد قال: الهاد رجل من بني هاشم. قال ابن أبي حاتم: قال ابن الجنيد: هو علي بن أبي طالب رضي الله عنه» 12.

ابن ابی حاتم در تفسیرش (ج 7 ص 2225 شماره روایت 12152) از امام علی (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: (هر قومی هدایت گری دارند، یعنی هدایت گرشان مردی از بنی هاشم است. ابن ابی حاتم می گوید که ابن الجنید گفت: آن شخص بنی هاشم همان علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) است.) 13.

وجاء أيضاً عن طرق الشيعة:

همچنین از طرق شیعه این روایات را می توان ذکر کرد:

وأخرج الكليني في الكافي (1 / 191 - 192) بسند صحيح أو حسن: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلكلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الْمُنْذِرُ وَلكلِّ زَمَانٍ مَنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ».

کلینی در کافی ج 1، ص 191 و 192 با سند صحیح یا حسن: (از امام باقر (علیه السلام)

در مورد آیهی «تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی هدایت کننده ای است» 14.

12 أخرجه الطبراني في المعجم الأوسط: ج 2 ص 94، ج 5 ص 153 - 154؛ مسند أحمد بن حنبل: ج 1 ص 126، وصححه أحمد محمد شاكر في تعليقه على مسند أحمد: ج 2 ص 48 - 49 برقم 1041 إذ قال: "إسناده صحيح. المطلب بن زياد بن أبي زهير الثقفي الكوفي، ثقة، وثقه أحمد وابن معين وغيرهما، وترجمه البخاري في الكبير 4/2/8 فلم يذكر فيه جرحاً... وهذا الحديث من زيادات عبد الله بن أحمد". وأخرجه الهيثمي في مجمع الزوائد: ج 7 ص 41 وقال: "رواه عبد الله بن أحمد والطبراني في الصغير والأوسط ورجال المسند ثقات".

13 محدثان دیگری از اهل سنت نیز حدیث مزبور در را کتب خود ذکر کرده اند؛ مثلاً: طبرانی در المعجم الاوسط ج 2، ص 94، و ج 5، صص 153 تا 154. مسند احمد بن حنبل ج 1، ص 126.

احمد محمد شاكر در تعليقه و حاشیهی خود بر کتاب مسند احمد (ج 2، ص 48 و 49) این روایت را تصحیح کرده است و می گوید: «سندش صحیح است. مطلب بن زیاد بن ابی زهير ثقفی کوفی ثقة است، چون احمد و ابن معین و دیگران او را توثیق کرده اند و بخاری در کتاب الكبير (8/2/4) احوال او را ذکر کرده است و هیچ مذمت و عیبی دربارهی او نگفته است ... و این حدیث از اضافات عبدالله بن احمد است.»

هیثمی در مجمع الزوائد، ج 7، ص 41 دربارهی این روایت گفته است: «عبد الله بن أحمد و طبرانی در المعجم الصغير و المعجم الاوسط آن را نقل کرده اند و رجال و راویان مسند احمد همگی ثقة (معتبر و مورد اعتماد) هستند.»

14 قرآن کریم، سورهی رعد، آیهی 7.

فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وآله) بیم‌دهنده است و برای هر زمان، از ما هدایت‌کننده‌ای است که آنان را به سوی آن چه پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) آورد، هدایت می‌کند. هدایت‌کنندگان پس از او علی می‌باشد، سپس یک یک اوصیاء).

وَأُخْرِجَ أَيْضاً (1 / 192) بِسَنَدِهِ: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): "إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ مِنْ هَادٍ الْيَوْمَ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا زَالَ مِنْكُمْ هَادٍ بَعْدَ هَادٍ حَتَّى دُفِعَتْ إِلَيْكَ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ كَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِكَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآيَةُ مَاتَ الْكِتَابُ وَ لَكِنَّهُ حَيٌّ يَجْرِي فِيْمَنْ بَقِيَ كَمَا جَرَى فِيْمَنْ مَضَى».

همچنین در ج 1، ص 192 با سندش آورده است: (ابوبصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه‌ی مورد بحث پرسیدم. فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وآله) بیم‌دهنده است و علی هدایت‌کننده است. ای ابومحمد! آیا امروز هدایت‌کننده‌ای دارد؟ عرض کردم: بله، فدایتان شوم. همیشه هدایت‌کننده‌ای یکی پس از دیگری از میان شما بوده است تا این که به شما تحویل داده شده است. پس فرمود: ای ابومحمد! خداوند تو را رحمت کند. اگر آیه بر مردی فرستاده شود، سپس آن مرد بمیرد، آیه می‌میرد؟ کتاب می‌میرد؟ ولی کتاب زنده است و در افراد باقی مانده است و جریان دارد، همان‌طور که در گذشته جریان داشته است).

وَأُخْرِجَ أَيْضاً (1 / 192) بِسَنَدِهِ: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى "إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ" فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي أَمَا وَاللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِينَا إِلَى السَّاعَةِ».

همچنین در ج 1، ص 192 با سندش آورده است: امام باقر (علیه السلام) در مورد آیه‌ی فوق فرمود: (رسول الله (صلی الله علیه وآله) بیم‌دهنده و علی هدایت‌کننده است.

آگاه باشید. به خدا قسم! از میان ما نرفته است و همیشه تا ساعت در میان ماست).

حديث من كنت مولاه فعلي مولاه 15:

-
- 15 الحديث ورد في:
- مسند أحمد: ج 1 ص 84 و 118 و 119 و 152، وج 4 ص 281 و 370 و 373، وج 5 ص 366 و 373 و 419، عن علي (عليه السلام) وزاذان بن عمر وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وعبد الرحمن بن أبي ليلى والبراء بن عازب وأبي الطفيل وزيد بن أرقم ورياح بن الحرث.
 - سنن ابن ماجه: ج 5 ص 297، عن سعد بن أبي وقاص.
 - سنن الترمذي: ج 5 ص 297، عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم.
 - المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 109 - 110 و 371 و 533، عن زيد بن أرقم وبريدة الأسلمي.
 - المصنف - ابن أبي شيبة الكوفي: ج 7 ص 495 و 496 و 499، و 503 و 506، عن جابر بن عبد الله ورياح بن الحرث وسعد وزيد بن يثيع والبراء وبريدة.
 - السنن الكبرى - النسائي: ج 5 ص 45 و 108 و 130 و 131 و 132 و 134 و 136، عن بريدة وسعد بن أبي وقاص وعميرة بن سعد وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وأبي الطفيل وعمرو ذي مر.
 - مسند أبي يعلى: ج 1 ص 429، وج 11 ص 307، عن عبد الرحمن بن أبي ليلى وأبي يزيد الأودي.
 - صحيح ابن حبان: ج 15 ص 376 عن أبي الطفيل.
 - مجمع الزوائد - الهيثمي: ج 9 ص 103 "باب قوله صلى الله عليه وسلم من كنت مولاه فعلي مولاه"، عن علي (عليه السلام) ورياح بن الحرث وعمرو ذي مر وزيد بن أرقم وأبي الطفيل وسعيد بن وهب وزيد بن يثيع وعبد الرحمن بن أبي ليلى وابن عمر وملك بن الحويرث وحبشي بن جنادة وجريز وزيايد بن مطرف ونذير وسعد بن أبي وقاص وزاذان أبي عمر وعمار و ابن عباس وعميرة بنت سعد وعمير بن سعد وأبي سعيد وعبد الله بن مسعود وبريدة.
 - وغيرها الكثير.
- يقول الألباني: "حديث: من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وهو حديث صحيح غاية، جاء من طرق جماعة من الصحابة خرجت أحاديث سبعة منهم، ولبعضهم أكثر من طريق واحد، وقد خرجتها كلها وتكلمت على أسانيدھا في "سلسلة الأحاديث الصحيحة (1750)" السنة - ابن أبي عاصم، ومعه ظلال الجنة في تخريج السنة - محمد ناصر الألباني: ص 552.

حدیث من کنت مولاہ فعلی مولاہ 16

و هذه نماذج من الحديث في بعض المصادر:

این نمونه‌هایی از این حدیث در برخی از منابع است:

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا ابن نمير ثنا عبد الملك عن أبي عبد الرحيم الكندي عن زاذان بن عمر قال سمعت عليا في الرحبة وهو ينشد الناس من شهد رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يوم غدیر خم وهو يقول ما قال فقام ثلاثة عشر رجلا فشهدوا انهم سمعوا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) وهو يقول من كنت مولاہ فعلی مولاہ» 17.

مسند احمد: زاذان بن عمر گوید: (از علی در رحبه شنیدم که با مردم در مورد افرادی سخن می‌گفت که روز غدیر خم با رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حاضر بودند. و ایشان سخن خود را فرمود. سیزده مرد ایستادند و گواهی دادند که از رسول الله

16 این حدیث در منابع زیر آمده است:

- مسند احمد، ج ۱، صص ۸۴ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۵۲ و ج ۴، صص ۲۸۱ و ۳۷۰ و ۳۷۳ و ج ۵ صص ۳۶۶ و ۳۷۳ و ۴۱۹، و از علی (علیه السلام) و زاذان بن عمر و سعید بن وهب و زید بن یثیع و عبدالرحمن بن ابی لیلی و براء بن عازب و ابوطیفیل و زید بن ارقم و رباح بن حارث نقل شده است.
- سنن ابن ماجه، ج ۵، ص ۲۹۷، از سعد ابن ابی وقاص.
- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۷۹، از ابوسریحه یا زید بن ارقم.
- مستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، صص ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۳۷۱ و ۵۳۳، از زید بن ارقم و بریده اسلمی.
- مصنف، ابن ابی شیبہ کوفی، ج ۷، صص ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۹ و ۵۰۳ و ۵۰۶، از جابر بن عبدالله و رباح بن حارث و سعد و زید بن یثیع و براء و بریده.
- سنن کبری، نسائی، ج ۵، ص ۴۵ و ۱۰۸ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۴ و ۱۳۶، از بریده و سعد بن ابی وقاص و عمیره بن سعد و سعید بن وهب و زید بن یثیع و ابوطیفیل و عمرو ذو مر.
- مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۲۹ و ج ۱۱، ص ۳۰۷، از عبدالرحمن بن ابی لیلی و ابو یزید اودی.
- صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶، از ابو طفیل.
- مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۱۰۳، باب سخن ایشان صلی الله علیه و سلم «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» از علی (علیه السلام) و رباح بن حارث و عمرو ذو مر و زید بن ارقم و ابوطیفیل و سعید بن وهب و زید بن یثیع و عبدالرحمن بن ابولیلی و ابن عمر و ملک بن حویرث و حبشی بن جناد و جریر و زیاد بن مطرف و نذیر و سعد بن ابی وقاص و زاذان ابی عمر و عماره و ابن عباس و عمیره بنت سعد و عمیر بن سعد و ابی سعید و عبدالله بن مسعود و بریده.
- و منابع بسیار دیگر.
- آلبانی می‌گوید: «حدیث من کنت مولاہ فعلی مولاہ. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه بسیار صحیح است. از طریق گروهی از صحابه آمده است که احادیث ۷ نفر از آنان آمده است و برای برخی از آنان بیشتر از یک طریق است و همه‌ی آنها را آوردم و سندهای آن را کامل نمودم». (سلسلة الاحادیث الصحیحة، ص ۱۷۵۰، سنت ابن ابی عاصم، ظلال الجنة فی تخریج السنة. محمد ناصر آلبانی، ص ۵۵۲)

17 مسند أحمد: ج 1 ص 84.

(صلی الله علیه وسلم) شنیدند که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای

اوست). 18.

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني عبيد الله بن عمر القواريري ثنا يونس بن أرقم ثنا يزيد بن أبي زياد عن عبد الرحمن بن أبي ليلى قال شهدت عليا رضي الله عنه في الرحبة ينشد الناس أنشد الله من سمع رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يقول يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه لما قام فشهد قال عبد الرحمن فقام اثنا عشر بدريا كآني أنظر إلى أحدهم فقالوا نشهد أنا سمعنا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يقول يوم غدیر خم ألت أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجي أمهاتهم فقلنا بلى يا رسول الله قال فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» 19.

مسند احمد: عبدالرحمن بن ابی لیلی گوید: (شاهد بودیم که علی (رض) در رحبه از مردم پرسید: چه کسی شنید که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در روز غدیر خم فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست؟ عبدالرحمن گوید: دوازده نفر از اهل بدر را دیدم که برخاستند و گفتند: شهادت می دهیم که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در روز غدیر پرسید: آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی تر نیستم و زنانم مادرانشان نیستند؟ گفتیم: بلی. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا، کسی که ولایت او را دارد، دوست دار، و کسی که او را دشمن دارد، دشمن بدار). 20.

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني حجاج ابن الشاعر ثنا شبابة حدثني نعيم بن حكيم حدثني أبو مریم ورجل من جلساء علي عن علي رضي الله عنه ان النبي (صلی

18 مسند أحمد، ج ۱، ص ۸۴.

19 مسند أحمد: ج 1 ص 119.

20 مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۱۹.

الله عليه وسلم) قال يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه قال فزاد الناس بعد وال من والاه وعاد من عاداه»²¹.

مسند احمد: على (رض) فرمود: (پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روز غدیر خم فرمود: هر فردی مولای او هستم، علی مولای اوست. پس از آن، مردم این عبارت را اضافه کردند: هر کس که ولایت او را دارد، دوست بدار. و هر فردی که با او دشمنی می کند، با او دشمنی کن.)²².

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عفان ثنا حماد بن سلمة أنا علي بن زيد عن عدي بن ثابت عن البراء بن عازب قال كنا مع رسول الله (صلی الله علیه وسلم) في سفر فنزلنا بغدير خم فنودي فينا الصلاة جامعة وكسح لرسول الله (صلی الله علیه وسلم) تحت شجرتين فصلی الظهر وأخذ بيد علي رضي الله تعالى عنه فقال أستم تعلمون اني أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى قال أستم تعلمون اني أولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى قال فأخذ بيد علي فقال من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال فلقية عمر بعد ذلك فقال له هنيئا يا ابن أبي طالب أصبحت وأمست مولى كل مؤمن ومؤمنة»²³.

مسند احمد: براء بن عازب گوید: (در سفری با رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بودیم. در غدیر خم فرود آمدیم. در میان ما برای نماز جماعت صدا زدند؛ و زیر دو درخت برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تمیز شد. ایشان نماز ظهر را خواند و دست علی (رض) را گرفت و فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردند: بله. دست علی را گرفت و فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار. راوی گوید: عمر پس از آن، با

²¹ مسند أحمد: ج 1 ص 152.

²² مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۵۲.

²³ مسند أحمد: ج 4 ص 281.

ایشان دیدار کرد و به او عرض کرد: ای فرزند ابوطالب! گوارایت باد. مولای هر
مرد و زن مؤمنی شدی).²⁴

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد وأبو نعيم المعنى
قالا ثنا فطر عن أبي الطفيل قال جمع على رضى الله تعالى عنه الناس في الرحبة
ثم قال لهم أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول يوم غدیر
خم ما سمع لما قام فقام ثلاثون من الناس وقال أبو نعيم فقام ناس كثير فشهدوا
حين أخذ بيده فقال للناس أتعلمون انى أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا نعم يا
رسول الله قال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال
فخرجت وكأن في نفسي شيئا فلقيت زيد بن أرقم فقلت له انى سمعت عليا رضى
الله تعالى عنه يقول كذا وكذا قال فما تنكر قد سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم)
يقول ذلك له»²⁵.

مسند احمد: ابی طفیل می گوید: (علی (رض) مردم را در رحبه جمع کرد. سپس
به آنان فرمود: چه کسی از شما مسلمانان سخنی را که رسول الله (صلی الله علیه وسلم)
در غدیر خم فرمود، شنید؟ سی نفر از مردم بلند شدند. ابونعیم گوید: مردم
بسیاری بلند شدند و شهادت دادند که وقتی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دستش را
گرفت، به مردم فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟
عرض کردند: بله ای رسول خدا. فرمود: هرکس که من مولای او هستم، علی
مولای اوست. خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با
او دشمنی می کند، دشمن بدار. راوی گوید: بیرون رفتیم و انگار در درونم چیزی
بود. با زید بن ارقم دیدار نمودم و به او گفتم: من از علی (رض) شنیدم که این

²⁴ مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۸۱.

²⁵ مسند أحمد: ج 4 ص 370.

چنین می فرمود. گفت: چرا انکار می کنی؟ من از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شنیدم که در مورد او این چنین فرمود).²⁶

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا محمد بن جعفر ثنا شعبة عن ميمون عن أبي عبد الله قال كنت عند زيد بن أرقم فجاء رجل من أقصى الفسطاس فسأله عن داء فقال إن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قال الست أولى المؤمنين من أنفسهم قالوا بلى قال من كنت مولاه فعلى مولاه قال ميمون فحدثني بعض القوم عن زيد أن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قال اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»²⁷.

مسند أحمد: ابو عبدالله گوید: (نزد زيد بن ارقم بودم که مردی از دورترین مکان فسطاس آمد و از او در مورد دردی پرسید. گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟ عرض کردند: بله. فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. ميمون گوید: برخی از قوم، از زيد برای من حدیث نمودند که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار).²⁸

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا محمد ابن جعفر ثنا شعبة عن أبي إسحاق قال سمعت سعيد بن وهب قال نشد على الناس فقام خمسة أو ستة من أصحاب النبي (صلی الله علیه وسلم) فشهدوا ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من كنت مولاه فعلى مولاه»²⁹.

²⁶ مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۷۰.

²⁷ مسند أحمد: ج 4 ص 373.

²⁸ مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۷۳.

²⁹ مسند أحمد: ج 5 ص 366.

مسند احمد: ابواسحاق گوید: از سعید بن وهب شنیدم که مردم را قسم می‌داد.
پنج یا شش نفر از یاران پیامبر برخاستند و شهادت دادند که رسول الله (صلی الله علیه
وسلم) فرمود: (هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست).³⁰

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا اسود بن عامر أنا أبو إسرائيل عن
الحكم عن أبي سلمان عن زيد بن أرقم قال استشهد علي الناس فقال أنشد الله رجلاً
سمع النبي (صلی الله علیه وسلم) يقول اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من
والاه وعاد من عاداه قال فقام ستة عشر رجلاً فشهدوا»³¹.

مسند احمد: زید بن ارقم گوید: (مردم را شاهد گرفت و گفت: مردی مردم را
قسم داد که از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) شنید که فرمود: هر فردی که من مولای او
هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر
فردی که با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار. شانزده مرد بلند شدند و شهادت
دادند).³²

مسند أحمد: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن آدم ثنا حنش بن الحرث بن
لقيط النخعي الأشجعي عن رياح بن الحرث قال جاء رهط إلى علي بالرحبة فقالوا
السلام عليك يا مولانا قال كيف أكون مولاكم وأنتم قوم عرب قالوا سمعنا رسول
الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم يقول من كنت مولاه فإن هذا مولاه قال رياح فلما
مضوا تبعهم فسألت من هؤلاء قالوا نفر من الأنصار فيهم أبو أيوب الأنصاري»³³.

³⁰ مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۶۶.

³¹ مسند أحمد: ج ۵ ص ۳۷۰.

³² مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۷۰.

³³ مسند أحمد: ج ۵ ص ۴۱۹.

مسند احمد: رباح بن حرث گوید: (گروهی در رحبه نزد علی آمدند و عرض کردند: ای مولای ما! درود بر شما. فرمود: چگونه من مولای شما هستم، در حالی که شما گروهی از عرب هستید؟ عرض کردند: ما از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در روز غدیر شنیدیم که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. رباح گوید: وقتی رفتند، در پی آنان رفتم و در مورد آنان پرسیدم. گفتند: چند نفر از انصار هستند که ابو ایوب انصاری نیز در میان آنان است).³⁴

سنن ابن ماجه: «حدثنا علي بن محمد. ثنا أبو معاوية. ثنا موسى بن مسلم، عن ابن سابط، وهو عبد الرحمن، عن سعد بن أبي وقاص، قال: قدم معاوية في بعض حجاته، فدخل عليه سعد، فذكروا عليا. فقال منه. فغضب سعد، وقال: تقول هذا لرجل سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول "من كنت مولاه فعلى مولاه". وسمعتة يقول أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي". وسمعتة يقول "لأعطين الراية اليوم رجلا يحب الله ورسوله"؟»³⁵.

سنن ابن ماجه: سعد بن ابی وقاص گوید: (در یکی از سفرهای حج معاویه، سعد بر او وارد شد. علی را یاد کردند. معاویه به او اهانت کرد. سعد خشمگین شد و گفت: آیا این را در مورد مردی می گویی که از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که فرمود: تو نزد من مانند هارون به موسی هستی، مگر این که پیامبری پس از من نیست. و شنیدم که فرمود: امروز پرچم را به دست مردی می دهم که خداوند و رسولش او را دوست دارند؟).³⁶

³⁴ مسند أحمد، ج ۵، ص ۴۱۹.

³⁵ سنن ابن ماجه: ج 1 ص 45.

³⁶ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵.

سنن الترمذي: «حدثنا محمد بن بشار أخبرنا محمد بن جعفر أخبرنا شعبه عن سلمة بن كهيل قال سمعت أبا الطفيل يحدث عن أبي سريحة أو زيد بن أرقم شك شعبه عن النبي (صلى الله عليه وسلم) قال: "من كنت مولاه فعلى مولاه". هذا حديث حسن غريب»³⁷.

سنن ترمذی: سلمة بن كهيل گوید: از ابوطفیل شنیدم که از ابی سريحة یا زيد بن ارقم از پیامبر (صلى الله عليه وسلم) حدیث می گوید که فرمود: (هرکس که من مولای او هستم، علی مولای اوست). این حدیث حسن و غریبی است.

المستدرک - الحاكم النيسابوري: « (حدثنا) أبو الحسين محمد بن أحمد بن تميم الحنظلي ببغداد ثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد الرقاشي ثنا يحيى ابن حماد (وحدثني) أبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه وأبو بكر أحمد بن جعفر البزار (قالا) ثنا عبد الله بن أحمد ابن حنبل حدثني أبي ثنا يحيى بن حماد (وثنا) أبو نصر أحمد بن سهل الفقيه ببخارى ثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادي ثنا خلف بن سالم المخرمي ثنا يحيى بن حماد ثنا أبو عوانة عن سليمان الأعمش قال ثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال لما رجع رسول الله (صلى الله عليه وسلم) من حجة الوداع ونزل غدير خم أمر بدوحات فقممن فقال كأي قد دعيت فأجبت اني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله تعالى وعترتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض ثم قال إن الله عز وجل مولاي وأنا مولى كل مؤمن ثم اخذ بيد علي رضي الله عنه فقال من كنت مولاه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وذكر الحديث بطوله. هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله.

(شاهده) حديث سلمة بن كهيل عن أبي الطفيل أيضا صحيح على شرطهما (حدثناه) أبو بكر بن إسحاق ودعلج بن أحمد السجزي (قالا) أنبأ محمد بن أيوب ثنا الأزرق بن علي ثنا حسان بن إبراهيم الكرمانى ثنا محمد بن سلمة بن كهيل عن أبيه عن أبي الطفيل عن ابن واثلة انه سمع زيد بن أرقم رضي الله عنه يقول نزل رسول الله (صلى الله عليه وآله) بين مكة والمدينة عند شجرات خمس دوحات عظام فكنس الناس ما تحت الشجرات ثم راح رسول الله (صلى الله عليه وسلم) عشية فصلى ثم قام خطيبا فحمد الله وأثنى عليه وذكر ووعظ فقال ما شاء الله أن يقول ثم قال أيها

الناس اني تارك فيكم أمرين لن تضلوا ان اتبعتموهما وهما كتاب الله وأهل بيتي عترتي ثم قال أتعلمون اني أولى بالمؤمنين من أنفسهم ثلاث مرات قالوا نعم فقال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) من كنت مولاه فعلي مولاه. وحديث بريدة الأسلمي صحيح على شرط الشيخين».

مستدرک، حاکم نیشابوری: زید بن ارقم (رض) گوید: (وقتی رسول الله (صلى الله عليه وسلم) از حجة الوداع بازگشت و در غدیر خم فرود آمد، فرمود که از درختان سایبان بلندی بسازند. آن را بر پا کردند. سپس فرمود: گویا من خوانده شده‌ام و باید اجابت کنم. من در میان شما دو چیز گران‌بها را نهادم که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر از دیگری است. کتاب خداوند متعال و عترت من. نگاه کنید که چگونه پس از من با آنان رفتار می‌کنید. آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا این که نزد حوض به من بازگردند. سپس فرمود: خداوند عزوجل مولای من است و من مولای هر مؤمنی هستم. سپس دست علی (رض) را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هر کس که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر کس که با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار). و حدیث را با طولانی بودنش ذکر نمود. این حدیث صحیحی به شرط شیخین است و آن را با طولانی بودنش ذکر نکردند.

شاهد آن، حدیث سلمة بن كهیل از ابوطفیل است که به شرط این دو صحیح است. ... زید بن ارقم گوید: (رسول الله (صلى الله عليه وسلم) بین مکه و مدینه نزد درختان فرود آمد. پنج درخت بزرگ بود. مردم زیر درختان را تمیز کردند. ایشان در آن نشست و نماز گزارد. سپس برای خطبه برخاست. خداوند را ستایش کرد و ذکر نمود و به مردم اندرز داد. سپس آن‌چه را خداوند می‌خواست، فرمود. سپس فرمود: ای مردم! من در میان شما دو چیز را باقی گذاشتم که اگر از آن دو پیروی کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید. آن دو، کتاب خداوند و اهل بیت من، عترت من

هستند. سپس فرمود: آیا می‌دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ سه مرتبه این را فرمود و سه بار گفتند: بلی. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست). حدیث بریده اسلمی به شرط شیخین صحیح است.

المستدرک - الحاكم النيسابوري: « (حدثنا) محمد بن صالح بن هانئ ثنا أحمد بن نصر وأخبرنا محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري (وأنبأ) محمد بن عبد الله العمري ثنا محمد بن إسحاق ثنا محمد بن يحيى وأحمد بن يوسف (قالوا) ثنا أبو نعيم ثنا ابن أبي غنية عن الحكم عن سعيد بن جبير عن ابن عباس عن بريدة الأسلمي رضي الله عنه قال غزوت مع علي إلى اليمن فرأيت منه جفوة فقدمت على رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فذكرت علياً فتنقصته فرأيت وجه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) يتغير فقال يا بريدة الست أولى بالمؤمنين من أنفسهم قلت بلى يا رسول الله فقال من كنت مولاه فعلي مولاه وذكر الحديث. هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه» 38.

مستدرک، حاکم نیشابوری: بریده اسلمی (رض) گوید: (با علی در راه یمن در جنگ شرکت کردیم. از ایشان ناآرامی دیدم. نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) رسیدم و علی را یاد نمودم و او را ناقص شمردم. دیدم که صورت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تغییر کرده است و فرمود: ای بریده! آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردم: بله، ای رسول الله. فرمود: هرکس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. و حدیث را ذکر نمود). این حدیث به شرط مسلم صحیح است و آن دو، آن را نیاوردند. 39

المستدرک - الحاكم النيسابوري: « (أخبرني) الوليد وأبو بكر بن قريش ثنا الحسن بن سفيان ثنا محمد بن عبدة ثنا الحسن بن الحسين ثنا رفاعة بن أياس

38 المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 109 - 110.

39 المستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

الضبي عن أبيه عن جده قال كنا مع علي يوم الجمل فبعث إلى طلحة بن عبيد الله ان القتي فاتاه طلحة فقال نشدتك الله هل سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال نعم قال فلم تقاتلني قال لم اذكر قال فانصرف طلحة» 40.

رفاعة بن اياس از پدرش از جدش گوید: (با علی در روز جمل بودیم. ایشان به سوی طلحة ابن عبيدالله فرستاد که با من دیدار کن. طلحة نزد ایشان آمد. ایشان فرمود: تو را به خدا قسم! آیا از رسول الله (صلى الله عليه وآله) شنیدی که فرمود: هرکس که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! هرکس که ولایت او را دارد، دوست بدار و هرکس که با او دشمنی می کند، دشمن بدار؟ عرض کرد: بله. فرمود: پس چرا با من می جنگی؟ عرض کرد: یادم نیست. راوی گوید: طلحة بازگشت.) 41.

المستدرک - الحاكم النيسابوري: «(أخبرني) محمد بن علي الشيباني بالكوفة ثنا أحمد بن حازم الغفاري ثنا أبو نعيم ثنا كامل أبو العلاء قال سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر عن يحيى بن جعدة عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال خرجنا مع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) حتى انتهينا إلى غدير خم فأمر بروح فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال يا أيها الناس انه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله واني أوشك أن ادعى فأجيب واني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل ثم قام فاخذ بيد علي رضي الله عنه فقال يا أيها الناس من أولى بكم من أنفسكم قالوا الله ورسوله اعلم قال من كنت مولاه فعلى مولاه. هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه» 42.

مستدرک، حاکم نیشابوری: زید بن ارقم(رض) گوید: (با رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بیرون رفتیم تا این که به غدير خم رسیدیم. ایشان دستور توقف داد. در روزی که گرم تر از آن بر ما نیامده بود، زمین را تمیز کردند. سپس خدا را ستایش کرد و

40 المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 371.

41 المستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 371.

42 المستدرک - الحاكم النيسابوري: ج 3 ص 533.

ثنای او گفت و فرمود: ای مردم! هیچ پیامبری برانگیخته نشد، مگر این که نصف عمری که فرد پیشین او زندگی کرده بود، نکرده بود. من نیز نزدیک است که خوانده شوم و باید پاسخ دهم. من در میان شما چیزی را می‌گذارم که پس از آن هرگز گمراه نمی‌شوید. کتاب خداوند عزوجل. سپس ایستاد و دست علی (رض) را گرفت و فرمود: ای مردم! چه فردی از خودتان به شما سزاوارتر است؟ عرض کردند: خداوند و رسولش داناترند. فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست). این حدیثی است که از جهت سند، صحیح است و آن دو، آن را نیاوردند. 43

المصنف - ابن أبي شيبة: «حدثنا مطلب بن زياد عن عبد الله بن محمد بن عقيل عن جابر بن عبد الله قال: كنا بالجحفة بغدير خم إذا خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخذ بيد علي فقال: "من كنت مولاه فعلي مولاه"». مصنف، ابن ابی شیبہ: جابر بن عبدالله گوید: (در جحفه غدیر خم بودیم که رسول الله صلى الله عليه وسلم بر ما بیرون آمد و دست علی را گرفت و فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست).

المصنف - ابن أبي شيبة: «حدثنا شريك عن حنش بن الحارث عن رباح بن الحارث قال: بينا علي جالساً في الرحبة إذ جاء رجل عليه أثر السفر فقال: السلام عليك يا مولاي، فقال: من هذا، فقالوا: هذا أبو أيوب الأنصاري، فقال: إني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه» 44. مصنف، ابن ابی شیبہ: رباح بن حارث گوید: (وقتی علی در رحبه نشسته بود، مردی که نشانه‌های سفر در او بود، آمد و عرض کرد: ای مولای من، درود بر تو.

43 المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۵۳۳.

44 المصنف - ابن أبي شيبة: ج 7 ص 495 - 496.

فرمود: این چه کسی است؟ عرض کردند: این ابو ایوب انصاری است. ابویوب گفت: من از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست).⁴⁵